

خلاصه سخنرانیهای برگزیده

بیست و یکمین همایش بزرگداشت حکیم صدرالمتألهین (ملاصدرا)؛
«فلسفه در مواجهه با فضای مجازی»

(خرداد ۱۳۹۶؛ تهران)

به دبیرخانه همایش رسید که از میان آنها ۹۹ مقاله پذیرفته شد. این همایش ساعت ۸:۴۵ روز یکشنبه ۹۶/۲/۳۱ افتتاح و تا ساعت ۱۹ ادامه داشت. در روز اجرای همایش، ۲۲ سخنرانی در دو سالن همزمان انجام شد و موضوعات مطرح شده با پرسش و پاسخ و نقادی شرکت‌کنندگان و اکاوی گردید. سایر مقالات نیز بصورت چاپ چکیده و اصل مقاله در اختیار علاقمندان قرار گرفته است. فهرست سخنرانیهای بیست و یکمین همایش بزرگداشت حکیم ملاصدرا به شرح زیر است.

آیت‌الله سیدمحمد خامنه‌ای: «جایگاه مواجهه فلسفی»؛

دکتر رضا داوری اردکانی: «فلسفه، تکنولوژی و

بیست و یکمین همایش بزرگداشت حکیم ملاصدرا در تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۶ با موضوع «فلسفه در مواجهه با فضای مجازی» برگزار شد. این همایش بهمت بنیاد حکمت اسلامی صدرا و انجمن بین‌المللی ملاصدرا برگزار گردید و هدف از آن عبارت بود از بررسی نسبت فلسفه با فضای مجازی، ذات و ماهیت فضای مجازی و راهکارهای بهره‌برداری از آن بمنظور کاهش تهدیدها و افزایش فرصتها برای سلامت فردی و اجتماعی.

فراخوان مقاله همایش «فلسفه در مواجهه با فضای مجازی»، بهمن ماه ۱۳۹۵ به اعلان عمومی رسید. تا پایان مهلت تعیین شده برای دریافت مقالات، ۱۹۴ مقاله





- فضای مجازی»؛ دکتر عبدالرزاق حسامی فر: «فضای مجازی و بسط هویت شخصی»؛
- دکتر سیدمصطفی محقق داماد: «گسترش عقلانیت در فضای مجازی»؛
- دکتر عبدالله صلواتی: «سهم فضای مجازی بر پوچ‌گرایی، با تأکید بر فلسفه صدرا»؛
- دکتر کریم مجتهدی: «تفکر فلسفی و فضای مجازی»؛
- دکتر رضا ماحوزی: «آموزش و پژوهش فلسفه در دانشگاه‌های مجازی»؛
- دکتر غلامرضا فدائی: «مبانی فلسفی و زبان‌شناختی فضای مجازی»؛
- دکتر غلامرضا اعوانی: «وجه ملکوتی وجود عالم مجازی از دیدگاه حکمت متعالیه»؛
- دکتر حسین کلباسی اشتري: «واقعیت مجاز»؛
- دکتر حسین کلباسی اشتري: «حقیقت و مجاز در فضای مجازی»؛
- دکتر قاسم پورحسن: «شبح‌وارگی رسانه»؛
- دکتر طوبی کرمانی: «هویت رابطه مجازی و پیامدهای آن بر ساحت‌های وجود آدمی»؛
- دکتر عرفان و هنر: «مفهوم‌شناسی مجاز در حکمت، عرفان و هنر»؛
- دکتر عبدالحسین خسروپناه: «ارزیابی فضای مجازی با رویکرد حکمت اسلامی»؛
- دکتر علی اله بداشتی: «فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی برای اخلاق اسلامی»؛
- دکتر عبدالرزاق حسامی فر: «فضای مجازی و بسط هویت شخصی»؛
- دکتر عبدالله صلواتی: «سهم فضای مجازی بر پوچ‌گرایی، با تأکید بر فلسفه صدرا»؛
- دکتر رضا ماحوزی: «آموزش و پژوهش فلسفه در دانشگاه‌های مجازی»؛
- دکتر غلامرضا فدائی: «مبانی فلسفی و زبان‌شناختی فضای مجازی»؛
- دکتر صالح حسن زاده: «فضای مجازی، آسیب‌ها، خانواده و تصمیم واقع‌بینانه»؛
- دکتر سعید ضرغامی: «نمودشناسی نقش بدن در ادراک: چالش‌های فراروی تجربه مجازی»؛
- حجت‌الاسلام و المسلمین حسینعلی رحمتی: «تدوین نظام اخلاقی اسلام درباره فضای مجازی، ضرورت‌ها و بایسته‌ها»؛
- دکتر علیرضا منصوری: «هستی‌شناسی فضای مجازی و تبعات آن»؛
- دکتر رهام شرف: «نادیده گرفتن واقعیت مجاز و پیامدهای اخلاقی آن در روابط خانوادگی»؛

دکتر مهدی گنجور: «تحلیلی فلسفی از واقعیت فضای مجازی».

در ادامه بمنظور آشنایی و استفاده خوانندگان گرامی گزارشی از سخنرانیهای برگزیده همایش ارائه میشود. نخستین سخنران و افتتاح کننده همایش، آیت الله سیدمحمد خامنه‌ای، رئیس بنیاد حکمت اسلامی صدرا بود. معظم له ضمن خیرمقدم‌گویی، سخنان خود را با موضوع «جایگاه مواجهه فلسفی» ارائه نمود. در ادامه مشروح سخنان ریاست بنیاد حکمت اسلامی صدرا را میخوانیم.

xxx

«الحمد لله رب العالمین و الصلاة والسلام علی سید الانبیاء و المرسلین، ابی القاسم محمد و علی آله الطیبین الطاهرین المعصومین».

خیرمقدم میگویم به همه عزیزان، اساتید و بزرگان و پژوهشگران، آقایان و خانمها که در جمع و خانه خودشان گرد آمدند و مانند همیشه بدنبال پیش رفتن هستند؛ ولو یک گام در سال باشد. امیدوارم بتوانیم تحقیقاتی را به تحقیقات گذشته بیفزاییم.

موضوع این همایش، فلسفه در مواجهه با فضای مجازی است. مواجهه یعنی رو در رو شدن و این، معنا، مفهوم و اقسامی دارد که در اینجا مجال پرداختن به آن نیست؛ هر چیزی متناسب شأن و طبع خویش عمل میکند. در این فضا که فضای بشری است، دلها و چشمها و گوشها آماده شنیدن چیزهای بسیاری است - چه صحیح، چه غلط - اما فلسفه در این میان چه وظیفه و جایگاهی دارد و چگونه با این فضا مواجه میشود؟ برخوردها و مواجهه‌ها با هر چیزی نتیجه‌ی دربردارد که در آن جمع‌بندی هویت و شخصیت مواجهه‌گر را میتوان شناخت.

فلسفه در مواجهه با فضای مجازی در درجه اول با مجموعه بزرگی از گوشها، چشمها و فهمهارو بروست و

قلمروی وسیع دارد؛ فلسفه، خود بدنبال چنین مواجهه‌ی است. بنابراین، شأن فلسفه آن است که در این فضای بزرگ که امکان تخاطب یعنی مخاطب قرار دادن اشیاء و افراد وجود دارد، حرف خود را بزند و کار خود را انجام دهد؛ البته سازوکاری هم دارد که باید درباره آن صحبت کرد. اساساً در حکمت و فلسفه تقسیم‌بندی معروف حکمت نظری و حکمت عملی پیشرو است و همانطور که میدانیم فلسفه در وهله نخست بنا دارد جهان را ادراک کند و این ادراک را به دیگران نیز منتقل نماید. فلسفه دانشی است که فهم حقایق میکند و راه دشواری را با عصای عقل و یاری حق میبیماید، جهان را میشکافد و تحلیل میکند و بصورت علمی و عقلانی در خود جای میدهد و انسانی حکیم میشود که در او یک جهان فشرده معنوی نهفته است. بنابراین، فلسفه قبل از هر چیز میداند که جهان هستی چیست و برای این پرسش، پاسخ دارد. در این بین چیزهای دیگری هم وجود دارد که به آن اشاره میشود. در حکمت عملی جایگاه، کارکرد و خاصیت و فایده فلسفه به معلومات نظری است؛ فلسفه میگوید دانسته‌ها جدا از بایسته‌ها نیست، زیرا عقل و فطرت انسان بلافاصله از یک علم نتیجه عملی میگیرد. مثلاً وقتی انسان علم پیدا کند که ماده‌ی سمی است آن را نمیخورد، اما اگر بفهمد داروست، میخورد. یا اگر بداند وسیله‌ی بی‌خطری است که در مقابل اوست موجب هلاکتش میشود به آن نزدیک نمیشود و بالعکس اگر تشخیص دهد راهی که انتخاب کرده، راه درستی است قبول میکند. انسان از علم برای عمل استفاده میکند و این خاصیتی مهم برای علم است و گرنه علمی که فقط در دل باشد و از آن استفاده نشود به درخت بیفایده و بیثمر تشبیه شده است.

فضای مجازی نیازی به تعریف ندارد اما فلسفه را باید تعریف کرد. فلسفه، انباشت تفکر در گوشه اتاق نیست؛ فلسفه، دانستن برای عمل کردن و عمل کردن

میکنند. بنابراین، سفر اول سالک معرفتجویی و بسوی خدا رفتن است، بعبارتی او از خلق و کثرات به حق و مبدأ واحد مستقل توحیدی میرسد. اما سفر دوم سیر کاملتری دارد و نگاه انسان خداگونه است. فلسفه باید بگونه‌یی دنیا را ببیند که خدا میبیند و براساس فهمی که در دفترچه آفرینش هست، عالم را فهم کند؛ قرآن یک نمونه والگو برای چنین فهمی است. انسان باید کوشش کند تا بفهمد این عالم چیست و برای چه آفریده شده است. بنابراین، در سفر دوم معرفت انسان کامل میشود و سفر به پایان میرسد.

سفر سوم، سفر از حق به خلق است (برعکس سفر اول)؛ یعنی حکیم بسوی مردم و این عالم روانه میشود و وظیفه دارد در بین کثرات و شلوغیها، سر و صداها و اشتغالها، سلیقه‌ها و فهمهای مختلف، پیام حق را به مردم برساند.

اگر بخواهیم این سفرها را با تقسیم اولیه فلسفه، یعنی حکمت نظری و حکمت عملی، تطبیق دهیم، از سفر اول ملاصدرا حکمت نظری تأمین میشود و در دو سفر بعدی پای حکمت عملی بمیان می‌آید؛ وقتی سالک وارد این عرصه شد، به میان خلق سفر میکند و در تمام طول سفر از کمک حق بهره‌مند میگردد.

فلسفه در مواجهه با هر چیزی جایگاه خود را نشان میدهد؛ این نگاه خداگونه و جامع از هستی است که

برای بهتر زندگی کردن است؛ بنابراین هم تکلیف فیلسوف نسبت به خودش معین میشود و هم تکلیفی که نسبت به دیگران دارد. او باید پیامبری کند و پیامی که برعهده دارد را به گوش مردم برساند و آنها را هدایت نماید. باید بگویم در حکمت ملاصدرا سازوکار فلسفه ظریف و بسیار زیباست و بیان شاعرانه و حکیمانه دارد. ملاصدرا در کتاب نفیس و شاهکار بزرگ فلسفیش، الأسفار الأربعة، فلسفه را به سفر کردن تشبیه میکند و میگوید فلسفه نوعی سفر و سیاحت است؛ یعنی رفتن به جایی و برگشتن از جایی. او در این کتاب چهار سفر را مطرح میکند:

۱. سفر من الخلق الی الحق.

۲. سفر بالحق فی الحق.

۳. سفر من الحق الی الخلق بالحق.

۴. سفر بالحق فی الخلق.

سفر اول، سفر در کثرات این عالم و مخلوقات است؛ انسان برای اینکه معرفت پیدا کند باید سیاحت کند، مطالعه نماید، ببیند، بشناسد و ببندد و زد، سپس همه آنها را با هم جمع کند و استنتاج نماید.

سفر دوم با عصای حق و به یاری او انجام میشود. یکی از مصادیق و افراد و اجزای حق، عقل است؛ یعنی انسان بکمک عقل و با یاری خداوند متعال و همه خیرهایی که در این بین مددگر اوست، این سفر را طی



همه باید آن را بدانند. منظور از همه در اینجا، گاهی یکی دو نفری هستند که در محضر استادند و حکیمند، گاهی جماعت یک مسجد و گاه جامعه بشری است و گاهی نیز سلسله نسلهای بشری تا روز قیامت. از قضا، مشی همه ادیان نیز کاملاً موازی با فلسفه است و حقیقت هم همین است؛ در اصل، فلسفه از ادیان واقعی مایه گرفته است.

فضای مجازی صحنه گسترده‌یی است که در آن بشر با همه امکانات موجود خود بدنبال سخن و خیر است. در اینجا فلسفه ظاهر میشود و نقش خود را ایفا میکند. مواجهه فلسفه با فضای مجازی ممکن است انفعالی باشد، مثلاً بسیاری از جوانهای ما متأسفانه گاهی بمحض اینکه در فضای مجازی مطلبی میبینند، آن را بدون تحقیق فرامیگیرند و بی تردید میپذیرند، گویی وحی نازل شده و حقیقت همین است؛ این خطاست. گاهی نگاه‌کننده، فقط نگرنده است، بدون قضاوت یا با قضاوت بدون اثر، اما گاهی نیز کمر میبندد تا در این فضا خود را معرفی و مطرح کند؛ به تعبیری: «اگر بینی که نابینا و چاه است» اگر خاموش بنشیني گناه است». بنابراین اگر مخاطبی پیام درستی داشته باشد ولی آن را مطرح نکند، گناه عقلی، شرعی، وجدانی و اخلاقی مرتکب شده است. در حقیقت، فضای مجازی فضای تخاطب و گفتگو، صحبت کردن و بیان کردن است و فلسفه در اینجا بیشترین تأثیر را دارد، زیرا اساساً در قلمرو خود گام بر میدارد و بطور کلی برداشت حکیمانه و فلسفی خویش را از جهان هستی ارائه داده و بعد نتیجه‌گیری میکند؛ یعنی استحصال و استعمار مینماید، عصاره و شهد آن را میگیرد و در اختیار انسانها قرار میدهد، مثل زنبور عسل که با سعی و کوشش شهدی میسازد که درمان و داروی بسیاری از دردهاست. فلسفه متناسب با شأنش عمل میکند، یعنی بیان معارف، معرفت‌آموزی و آگاهی دادن.

برای اینکه انسان داروی سمی را نخورد، ابتدا باید به او آگاهی داد که این دارو یا این ماده شیمیایی چه زیانهای دارد تا خودش بتواند نتیجه بگیرد که نباید این دارو را بخورد.

وظیفه دیگر فلسفه در مواجهه با فضای مجازی، هنجارسازی است؛ یعنی در میان همه هنجارها و باصطلاح رفتارآموزیها و بدآموزیهای که در این فضا وجود دارد، این وظیفه فلسفه است که برای بشر فرهنگ و هنجار درست و صحیح را ارائه دهد تا همه بتوانند در قالب آن هنجار جامعه خود را شکل دهند. معمولاً همه انسانهای متمدن دارای هنجارند اما گاهی از آن هنجارها خارج میشوند که بموجب آن نابهنجاریها و نابسامانیهای در فرد یا جامعه بوجود می‌آید. در مورد جامعه نیز همین مصداق هست؛ اساساً در جامعه‌شناسی، هنجار مربوط به جامعه است. گاهی مخاطب فلسفه یک جامعه کوچک، جامعه شهری، جامعه ملی، جامعه جهانی یا یک جامعه بشری در آینده است؛ فرقی نمیکند، مخاطب فلسفه، مخاطب است و هر چه فضای تخاطب وسیعتر باشد، فلسفه راحتتر و بهتر میتواند وظیفه‌اش را انجام دهد.

کار دیگر فلسفه، فرهنگ‌سازی است. خود فلسفه، فرهنگی پیچیده است که با ابزارهای خاصی بدست می‌آید. فرهنگ‌سازی از هر کسی ساخته نیست، باید فرهنگ را بشکل ساده درآورد و در اختیار اندیشه انسانها و فکر و روح جامعه گذاشت تا از آن استفاده کنند. فراموش نکنید که رفتار بشر را فرهنگ او شکل میدهد. فرض کنید در خیابان که با عجله راه می‌روید، ناگهان شخصی در مقابل شما زمین می‌افتد و نمیتواند بلند شود. ممکن است شما کار خود را فراموش کنید و فوراً به او کمک نمایید. شاید هم باشند کسانی که این صحنه را ببینند ولی از کنار آن بی تفاوت عبور کنند. این عمل

تدبیر منزل نیز می‌گفتند. شاید تصور شود منظور از تدبیر منزل، دکوراسیون منزل و تکمیل آشپزخانه است، خیر؛ منظور از تدبیر منزل، خانواده و باصلاح خانمان بود، جایی که انسان در آن رشد میکند. رشد طبیعی در اختیار خود انسان نیست اما رشد معنوی در دست خود انسان و اولیاست.

سومین قسم حکمت عملی، سیاست است. نگرش فلسفه و ادیان از همان ابتدا نگاه جمعی است؛ اگر پیغمبرانه و حکیمانه نگاه کنیم، جامعه بشری باید خوشبخت باشد، باید رفاه داشته باشد و از زندگی لذت ببرد. هستی منحصر به این عالم نیست، بنابراین انسان باید به فکر آخرتش هم باشد؛ سعادت او سعادت معروف «دارین» است؛ یعنی این خانه و آن خانه، این دنیا و آن دنیا. فلسفه باید به فکر همه اینها باشد و نمیتوان این وظیفه مهم را بارسیدگی و سرزدن به این خانه و فراموشی خانه دیگر انجام داد؛ باید بصورت مجموعی حکومت و حاکم و قانونی باشد و حاکم برابر آن قانون و قانون برابر فطرت بشر و اصل هستی وضع شده باشد تا افراد جامعه به رفاه برسند.

نشان دهنده دو فرهنگ متفاوت است. یا مثلاً در مواجهه با افراد فقیری که در خیابان هستند، شاید برخی کمک کنند و برخی نیز با داشتن مال و منال بسیار، کمک نکنند؛ این عمل هم حاکی از وجود دو فرهنگ مختلف است. فرهنگها هم شخصیت ملتها را نشان میدهند و هم آینده آنها را ترسیم میکنند. آخر و سرانجام فرهنگ بد و نادرست سقوط است؛ اگر راه را اشتباه برویم قطعاً به پرتگاه رسیده و سقوط خواهیم کرد.

وظیفه دیگر فلسفه، خودسازی انسانهاست و هر فردی باید این کار را از خود شروع کند. همانطور که میدانید حکمت عملی دارای سه بخش است: (۱) اخلاق، (۲) تدبیر منزل یا تدبیر خانواده و (۳) سیاست. خودسازی، یعنی اخلاق آموزی، وظیفه فلسفه است؛ برای اصلاح جامعه ابتدا باید افراد جامعه اصلاح شوند. به همین دلیل است که فلسفه بر اخلاق بسیار تأکید کرده است؛ اصلاح از فرد آغاز میشود تا به جامعه برسد.

دومین قسم حکمت عملی، خانواده است. خانواده اولین خشت بنای جامعه است و بسیاری چیزها، اعم از خوب یا بد، از خانواده سرایت میکند. در قدیم به آن



در مقابل حکومت‌هایی که بر اساس قانون بنا شده‌اند، حکومت‌های حیوانی و وحشیانه نیز بوده‌اند؛ حکومت‌هایی که بصورت سلطنتی و شاهنشاهی اداره میشدند و به خودشان مَلِک می‌گفتند. ملک یعنی کسی که مالک مردم است. مردم برای چنین حاکمانی ارزش نداشتند و پراحتی دستور قتلشان را صادر میکردند. شخص خودش را مالک میدانست و حال اینکه به قول حکیم:

گوسفند از برای چوپان نیست

بلکه چوپان برای خدمت اوست

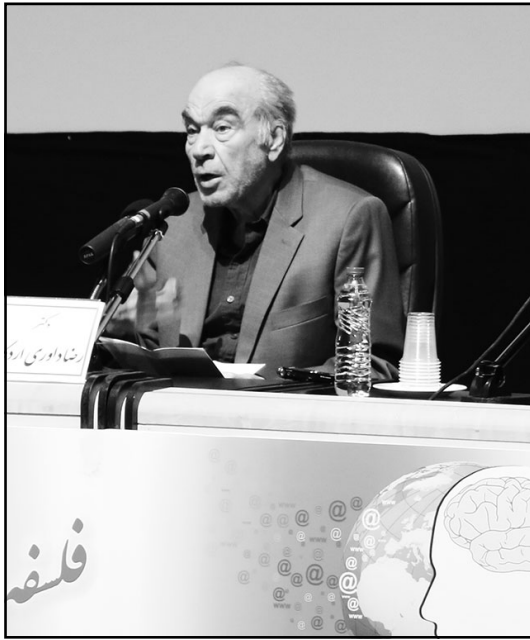
حاکمان باید بدانند که حکومتشان باید حکومتی محو و ذوب در مردم باشد، باید خود را فراموش کرده و به فکر مردم باشند. این معنای سیاست است. حکما معتقد بودند باید حکیم در رأس حکومت باشد که اولاً بدانند این عالم در دست کیست و چگونه اداره میشود. بدانند بشر چیست و کرامت او را درک کند. کرامت انسان را با کتاب، سخنرانی و مقاله و شعار نمیتوان درک کرد، باید انسان را حکیمانه شناخت. حتی اگر انسان در پایینترین سطح تمدن هم باشد کرامت دارد و کرامت او باید حفظ شود.

در ادیان نیز بر این نکته تأکید شده است. در دین اسلام و ادیان آسمانی دیگر، حق حاکمیت مختص خداست و خداوند آن را به پیامبر عطا کرده است. پیامبر کسی است که از ملکوت آمده، سفر اول و دوم را طی نموده و در سفر سوم و چهارم با بعثت به میان امت برگشته است، قانون الهی را با خود آورده است و آن را اجرا میکند. معمولاً انبیا برای خود جانشین‌هایی داشتند، بعد از پیامبر اکرم (ص) دوازده امام معصوم طی دو قرن با همه موانعی که سرراشان وجود داشت، وظیفه خود را انجام دادند؛ همواره حیوان صفتان بر آن بوده‌اند که از پیام‌رسانی پیامبران جلوگیری کنند و مردم را در ملک و قبضه خودشان نگه دارند. بعد از ائمه، فقیه برخوردار از صفات خاص، بعنوان جانشین تعیین میشود. در یونان

قدیم این اصل پذیرفته شده بود و به همین علت سقراط را کشتند و افلاطون را از شهر بیرون کردند. آنها معتقد بودند حکومت بر مردم آتن، پایتخت یونان آن زمان، تنها از آن حکیمان است، زیرا هیچگاه فکر گزند مردم را ندارند، برخلاف بقیه که فقط به فکر استفاده از مردم بودند.

بنابراین، سیاست یکی از حوزه‌های کاری فلسفه در مواجهه با فضای مجازی است؛ فضایی که میتواند گرانها باشد و اگر حکما وارد آن نشوند، میتواند خطرناک باشد. دشمنان بدقت از این فضا اولاً برای پخش و نشر فرهنگ و هنجار زشت و فاسد کردن مردم در حد یک حیوان و تبدیل زندگی بشر به زندگی حیوانی و غلبه خرافه‌ها و خشم و شهوت استفاده میکنند؛ اگر انسانها کرامت خودشان را بشناسند دشمنان کاری از پیش نمیبرند. هدف دوم این است که نگذاریم پیام پیامبران بدست مردم برسد. همانطور که میدانید، در عرصه سیاست بین‌المللی تنها دین اسلام است که پیام خود را به گوش همه میرساند و زیر بار ذلت نمیرود. بر اساس دین اسلام انسانها آزاد و مستقلند و هیچ حکومتی حق ندارد از آنها سوءاستفاده کند. ببینید چه غوغایی در جهان راه افتاده است و مستکبرین برای حفظ منافع خود چه میکنند. وظیفه فلسفه اصلاح جهان و جامعه بشری است.

در اینجا لازم است اشاره‌ی نیز به تعریف سیاست داشته باشیم. سیاست باید بر اساس مبانی هستی‌شناختی و توحیدی باشد. اگر بخواهیم آن را بگونه‌ی شرعی تعریف کنیم، باید مبتنی بر خداپرستی باشد و اگر بخواهیم فلسفی بگوییم، باید مبتنی بر احترام به قوانین فطرت و هستی‌شناختی و آموزش روش زندگی به مردم باشد. قبل از هر چیز انسانها باید شأن خودشان را بدانند که اگر با تجاوز و تعدی مواجه شدند بتوانند با آن مقابله کنند. همانطور که میبینید در بین همه ملت‌ها تنها بعضی ملت‌ها



از سخنان دکتر داوری را میخوانیم:

مادر دنیایی زندگی میکنیم که همهٔ تاریخ، یعنی همهٔ گذشته در آن حاضر است؛ جهان پیش از مدرن، جهان مدرن و جهان پست مدرن. این سه، بنظر بودریار سه مرحلهٔ تاریخ (غرب) هستند. جهان پیشا مدرن جهان واقعیت است، یعنی جهان وجود دارد و میتوان آن را شناخت. جهان مدرن جهان سوژه است که در آن سوژه تکیه‌گاه هستی شده و همه چیز از دریچهٔ نگاه و شناخت او واقعیت پیدا میکند. جهان پست مدرن از مرگ سوژه سخن میگوید و محوریت و اصالت را به متن میدهد. جهان متن طبعاً نیاز به تفسیر دارد اما هم متن و هم تفسیر آن دشوارند. بنظر بودریار جهان فضای مجازی نیز جهان پست مدرن است. فضای مجازی، تکنولوژی همه‌توانی است که هم منافع عمومی، ساده و در دسترس همگان دارد و هم کارآیی‌های که حتی شنیدن آنها برای عموم ترسناک و وحشت‌آور است. امروزه ساز جهان را فضای مجازی مینوازند و قدرت جهان را در دست گرفته است. امروزه فضای مجازی همراه ما و در خانه ما زندگی میکند. این جهان مرز میان زشت و زیبا و راست و ناراست را از میان برداشته است تا آنجا که کسی که کاری زشت را

سر بلند میکنند، من این را در سیر و سیاحت‌های ظاهری خودم در دنیای شرق و غرب مشاهده نموده‌ام. من به بیشتر بلاد سفر کرده‌ام، اکثر ملتها مانند ملت ایران فکر میکنند، البته کمی ناقص. انگیزه و انگیزش این ملتها انگیزه و انگیزشی است که ما در اول انقلاب داشتیم. مردم جهان کم و بیش متوجه حقایق شده‌اند. مادر فضای مجازی این کار را نکرده‌ایم. همین صدای بلندی که برخاست و در عالم پیچید و به گوش برخی رسید، نشان میدهد که مردم دنیا پیام را گرفته‌اند. مخالفت گروه‌های حاکم که تعدادشان زیاد نیست، بیانگر آن است که ملتها به این پیام رسیده‌اند.

امروز روزی است که فلسفه باید در مواجهه با فضای مجازی - که نقش حقیقی نیز دارد - پیام بشریت، یعنی حکمت و عقلانیت را به گوش مردم دنیا برساند و آنها را راهنمایی کند، زیرا اگر مردم راه درست را ندانند به نتیجهٔ مطلوب نمیرسند و شکست میخورند. ما امروز خواسته یا نخواسته مرشد و راهبر عالم شده‌ایم؛ البته خودمان هم فرد به فرد باید در زندگیمان برای دیگران الگو باشیم. ان شاء الله.

xxx

«جهان ما، امروزه صرفاً به جهان مجازی تبدیل شده است. وقتی جهانی صرفاً به جهان مجازی تبدیل شد، دوگانگی حقیقت و مجاز و حتی گاه حقیقت از میان میرود. امروزه فضای مجازی، ساز جهان را مینوازند و چنانکه بودریار میگوید، مرز بین زشت و زیبا را برداشته و همه چیز را شبیه هم کرده است.»

دکتر رضا داوری اردکانی در بیست یکمین همایش بزرگداشت ملاصدرا با موضوع «فلسفه و فضای مجازی» سخنرانی خود را با موضوع «فلسفه، تکنولوژی و فضای مجازی» با تکیه بر دیدگاه‌های بودریار، فیلسوف فرانسوی، ارائه داد. در ادامه، خلاصه‌ی کوتاهی



جهانی بیش از پیش به نظریه‌پردازان حوزه اخلاق و فلسفه اخلاق نیاز داریم.

فراگیر شدن فناوریهای ارتباطی دیجیتال در جهان امروز فرصتی برابر را در اختیار مردم جوامع مختلف قرار داده است تا بتوانند صدای فرهنگی خود را به گوش جوامع دیگر برسانند. انسانها میتوانند شئون گوناگون فرهنگی، از جمله نگرش و رفتار اخلاقیشان را از طریق شبکه جهانی اطلاعات و ارتباطات به همسفرهای خود در کلان شهر سایبری ارائه نمایند.

بنظر من امروز با ایجاد فضای مجازی حاکمیت سوژه و تک صدایی غربی به پایان رسیده است. همزمان با تولد دیگری غیر غربی و تعدد صداها و هویت‌های متنوع، ضرورت دارد معیار اخلاقی جدیدی برای این کلان شهر که من اسم آن را «کلان شهر سایبری» میگذارم ترسیم شود. این کار، وظیفه فلسفه است. اساتید فلسفه و دانشیان علوم عقلی باید همگی کار خود را رها کنند و همت خود را به این کار اختصاص دهند و اهتمام خود را متوجه: (۱) شناخت، (۲) تبیین و (۳) ارزیابی معیارهای اخلاقی در این کلان شهر جدید نمایند.

سردرگمی اخلاقی کنونی در میان شهروندان دنیای

انجام می‌دهد آن را درست و زیبا میدانند و حقیقت تصور میکند.

xxx

«ما باید اخلاق را بعنوان یک مقوله ارتباط محور قرار دهیم و گستردگی و تنوع ارتباط در دنیای سایبری و اهمیت نظریه‌ها و عملکردهای اخلاقی میان شهروندان جهانی را بپذیریم؛ بر این کلان شهر باید اخلاق حکومت کند».

سومین سخنران همایش «فلسفه در مواجهه با فضای مجازی» دکتر سیدمصطفی محقق داماد بود که سخنرانی خود را با عنوان «گسترش عقلانیت در فضای مجازی» ارائه کرد. خلاصه سخنان آیت الله محقق داماد چنین است:

گسترش فناوریهای سایبری در دنیای کنونی موجب ارتباطات بیواسطه، نزدیک و چندسویه شده است. این امر مستلزم نظریه‌پردازان و برنامه‌ریزیهای جدیدی است. امروز دستیابی مردم جهان به اطلاعات و ارتباطات همزمان در دنیای مجازی به تعریفی جدید از جهانی شدن منجر شده است و واقعاً جهانی شده است، یک کلان شهر سایبری تشکیل گردیده که گویا در آن همه مرزهای زمانی و مکانی از میان برداشته شده است. بتعبیر فلسفی، همگان امروز در لامکان و لازمان با یکدیگر ارتباط برقرار کرده و میکنند. آنچه اصلت دارد ارتباط میان انسانها با یکدیگر است و هر فردی از هر جامعه و فرهنگی قادر است با افراد دیگر و فرهنگهای متفاوت ارتباط برقرار کند.

بنظر اینجانب ما باید اخلاق را بعنوان یک مقوله ارتباط محور قرار دهیم و گستردگی و تنوع ارتباطات در دنیای سایبری و اهمیت نظریه‌ها و عملکردهای اخلاقی میان شهروندان جهانی را بپذیریم. باز هم باید بگویم بر این کلان شهر باید اخلاق حکومت کند و در چنین



در مواجهه با فضای مجازی» درباره «واقعیت مجاز» سخنرانی کرد. چکیده سخنرانی دکتر دینانی به شرح زیر است:

انسان تنها موجودی در عالم است که «عالم دارد». دیگر موجودات در عالم هستند اما خود، عالم ندارند. انسان به همان اندازه که در عالم است، عالم نیز در اوست. در شناخت این رابطه و سیر استکمال عقل، سه کلمه نقشی اساسی و عمده ایفا میکند: انسان، عالم و ترکیب ایندو، یعنی انسان - عالم.

میدانیم که عالم سه مرتبه دارد: حس، خیال و عقل. عالم خیال که عالم مجاز است، میان عالم محسوس و عالم عقل قرار میگیرد. خیال هم گسترش حس است و هم گسترش عقل اما باید توجه داشت که در مورد عقل این گسترش به معنای استعلا و کمال نیست بلکه تنزل عقل است. این خیال است که مجاز می آفریند و مجاز در برابر حقیقت است. حقیقت سه معنا دارد، حقیقت لغوی که معنایی است که لغت برای آن وضع شده است،

مجازی و کلان شهر سایبری بدلیل ناهماهنگی اصول اخلاقی اقتدارگرا و تک صدایی غربی با تکثر و تنوع گفتمانهای فرهنگی شهروندان جوامع مختلف است که از طریق شبکه جهانی دیجیتال با یکدیگر ارتباط دارند. ارتباطات همزمان و گسترده در دنیای مجازی هیچ تبعیضی را برنمیتابد، بلکه اصولی جامع مطلبد که بر خیر مشترک همه افراد نوع بشر مبتنی باشد؛ اصولی که انحصارگرایی یک نژاد یا فرهنگ خاص را نمیپذیرد. بعقیده من آنچه میتواند از سوی فلسفه و حکمت، دستکم حکمت اسلامی، بعنوان معیارهای اخلاقی و لازم الرعایه مشترک در این کلان شهر مجازی ارائه گردد، این است که بدون هرگونه تبعیض گرایی حقوق «انسان به ما هو انسان» پاس داشته شود؛ برای توسعه و نشر اندیشه بشر در فضای مجازی راهی جز توسعه خردورزی، عقلانیت و اخلاق مبتنی بر عقلانیت وجود ندارد.

مهمترین مؤلفه ارتباط اجتماعی، اخلاقی زیستن شهروندان کلان شهرهای سایبری است که امکان زندگی مسالمت آمیز و دارای امنیت و آرامش را برای شهروندان آن فراهم میکند تا همه استعدادهای انسانی در سایه مشارکت و مسالمت جمعی به فعلیت برسند و جهان توسعه یاب و ارتقا یابنده را محقق کند، جهانی که بنظر من رابطه میان ساکنان آن، رابطه برد برد است و هیچ بازنده‌یی در آن وجود ندارد که قربانی زیاده خواهی قدرت طلبانه‌یی شده باشد.

xxx

«مجاز، گسترش معنای حقیقی است اما این گسترش لزوماً استعلا و تعالی نیست. گاه مجاز باعث افسون زدگی انسان میشود و وظیفه فلسفه نبرد بی امان با افسون زدگی و انجماد فکری حاصل از آن است». دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی در همایش «فلسفه



فرانسوی است. این اصطلاح ارسطویی است بمعنای بالقوه، در برابر «actual». به این معنا، فضای مجازی فضایی است که واقعیت ندارد اما یک امر بالقوه است. همچنین گاه از اصطلاح دیجیتال و «information» استفاده میشود که بمعنای خبرگزاری، خبرپراکنی و خبرسازی است، و حتی شایعه‌سازی.

اهمیت فضای مجازی بر کسی پوشیده نیست. این فضا امکانی جدید برای انسان فراهم کرده است، بیمکانی و بیزمانی. شما در یک مکان و زمان زندگی میکنید و دیگر عصرها و مکانها نزد شما حاضر است و حتی میتوانید در آن مشارکت کنید. طبیعتاً این جریان تبعاتی دارد که اگر به نقد کشیده نشود، انسان به قربانی تبدیل خواهد شد. چنانکه نادیده گرفتن اصل و وجود این پدیده ساده لوحی است، ندیدن تبعات منفی آن هم ساده لوحی است و ساده لوحی بزرگترین خطری است که فلسفه را تهدید میکند.

حقیقت شرعی و حقیقت عرفی، یعنی چیزی که عرف حقیقت تلقی میکند. مجاز عبور از این سه معناست. اما گاه مجاز به جای حقیقت مینشیند و انسان مجاز را حقیقت می‌شمارد. در اینجا است که افسون رنگ و لعابهای مجاز میشود و این افسون‌زدگی باعث انجماد فکری او میشود. وظیفه فلسفه است که در مبارزه با افسون‌زدگی انسان لحظه‌یی درنگ نکند؛ این انجماد جز با حرارت فلسفه آب نمیشود. دنیا و فضای مجازی امروزه انسان را مسحور خود کرده است و گاه خود آن یا حرفها و محتوای آن بجای حقیقت مینشیند. فلسفه باید از این جمود مراقبت کند.

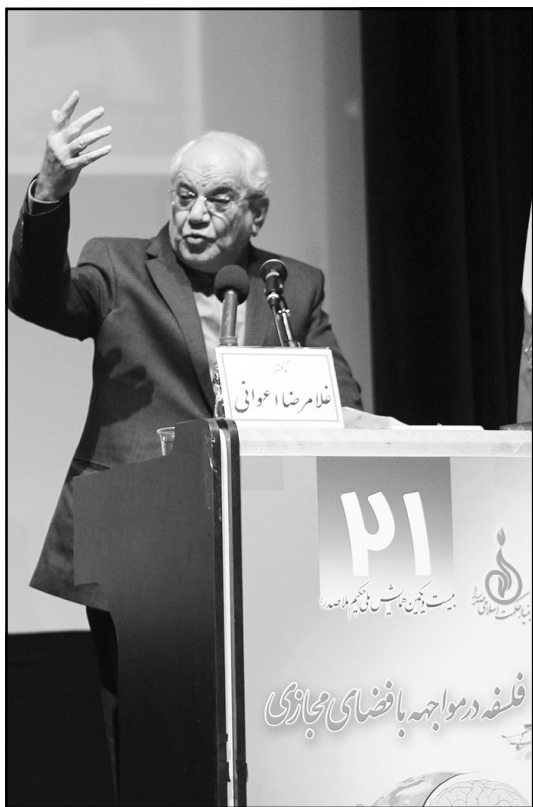
xxx

«وظیفه فیلسوف ایرانی در برابر فضای مجازی جستجو برای پیدا کردن یک راه حل معقول برای حفظ فرهنگ ایرانی - اسلامی و استفاده بهینه از آن است».

از دیگر سخنرانان برجسته بیست و یکمین همایش بزرگداشت حکیم صدرالمآلهین میتوان به دکتر کریم مجتهدی اشاره کرد. سخنرانی دکتر مجتهدی پیرامون «فضای مجازی و تفکر فلسفی» بود. این سخنرانی را میتوان بنحو ذیل خلاصه کرد:

اصطلاح فضای مجازی ترجمه‌یی است از چند اصطلاح و یک پدیده غربی. اگر به معنای آن اصطلاحات توجه کنیم، ماهیت این پدیده بر ما آشکارتر میشود. یکی از این اصطلاحات

«siber space» است. سایبر که ریشه یونانی دارد به معنای فرماندار، سکاندار و راننده است، کسی که در گوشه‌یی نشسته و بقیه را هدایت میکند. به این معنا، فضای مجازی، فضا و جهانی است که از گوشه‌یی از جهان و از یک محل و مکان معین اداره میشود. در این فضا، عده‌یی آماده‌سازی میکنند و عده‌یی تبعیت میکنند یا ناچارند تبعیت کنند. اصطلاح دیگر، virtual



چهارگانه‌یی که صدرالمآلهین ترسیم کرده است بخوبی تعالی از وجه ناسوتی به لاهوتی و رسیدن به حقیقت را ترسیم میکند. در این رویکرد، برخلاف رویکرد جدید که وجه ملکوتی را کاملاً نادیده میگیرد، وجه زمینی و ناسوتی موجودات مورد غفلت واقع نشده بلکه علم زبان وجود تلقی میشود و تلاش میشود با آن به گفتگو بنشینند. زبان عالم مجازی بخودی خود زبان ریاضی است. علم جدید اساساً بر ریاضی مبتنی است اما ریاضی را به وجه بیرونی آن محدود کرده است در حالیکه حکمت قدیم ریاضی را در وجه درونی و گامی بسوی حکمت عقلی و علم یقینی میدید. تأکیدی که امثال افلاطون، سهروردی، ملاصدرا، فیثاغورث و... بر ریاضی دارند، از همین سنخ است. اگر این وجه ملکوتی علم را در مواجهه با فضای مجازی مدنظر داشته باشیم این فضا و امکانات بیشمار آن نیز میتواند در خدمت کمال و تعالی انسان قرار گیرد.

فلسفه نمیتواند موقعیتهارا انتخاب یا تعیین کند بلکه تنها پاسخ و راه حل یا موضع ایجاد میکند. زندگی در موقعیت امروزی در انتخاب و اختیار ما نیست اما میتوانیم موضع خود را با آن بشناسیم و مشخص کنیم. وظیفه فیلسوف ایرانی در این موضع و موقعیت این است که راه حل معقولی برای حفظ فرهنگ خود و استفاده بهینه از آن بیابد تا بتواند حضور آینده خود را تضمین کند.

xxx

«فرق بین علم و حکمت، وجه ملکوتی اشیاء است. علم به وجه ملکوتی عالم توجهی ندارد در حالیکه اصل و محور ادیان و حکمت قدیم بر توجه به وجه ملکوتی استوار است».

دکتر غلامرضا اعوانی از دیگر سخنرانان همایش «فلسفه در مواجهه با فضای مجازی» بود. او در سخنان خود با موضوع «وجه ملکوتی وجود عالم مجازی از دیدگاه حکمت متعالیه» چنین گفت:

کشف وجود مجازی از یک طرف عظمت انسان را نشان میدهد و از طرف دیگر نمایانگر قدرت الهی است که آن را مسخر کرده است. هر یک از این دو طرف به وجهی از علم نظر دارند، اولی به وجه ناسوتی و زمینی علم و دومی به وجه ملکوتی و لاهوتی آن. علم جدید وجه لاهوتی عالم و پدیده‌ها نیز به وجه ناسوتی نسبت داده میشود و این باعث فراموشی وجه ملکوتی آن و محروم ماندن از شناخت مهمترین جنبه عالم شده است. در حالی در علم و حتی و فلسفه جدید، جهان محدود به محسوسات شده است که همه ادیان الهی و حکمت قدیم به وجه ملکوتی جهان توجه ویژه داشته‌اند و حتی علم حقیقتی و یقینی را بر اساس این وجه تعریف میکنند. فلسفه ملاصدرا نمونه بارز نظام فلسفی بی است که بر پایه توجه به وجه ملکوتی بنا شده است. سفرهای